

هر وقت خدا بخواند

روایتی جمعی از نگاه زنان و دختران به سن ازدواج

وقتی برای زندگی

به بیست سالگی هم نرسیده اند. یکی هجده و دومی نوزده ساله است. رفیق هستند. زهرا و آتنا تازه کنکور داده اند و قرار است از سال آینده دانشجویی را تجربه کنند. زهرای گوید: من برای ازدواج مثل خیلی از دخترها سخت گیر نیستم. اگر یک پسر اهل ایمان باشد، برایم کافی است. بعد با هم زندگی را می سازیم ولی دوست دارم زودتر ازدواج کنم تا بچه هایم یک مادر جوان داشته باشند. اصلا یکی از علاقه مندی هایم این است که با بچه سر کلاس دانشگاه بروم. آتنا هم می گوید: پدرم سخت گیر است و اجازه نمی دهد هر کسی خواستگاری بیايد. همیشه به ما مانع می گوید من همین یک دختر را دارم و برایش آرزو دارم. باید یک آدم همه چیز تمام پیدا شود که تازه اجازه خواستگاری بدهد اما نظر من هم مثل زهراست. دلم می خواهد وقتی ازدواج کنم که با خیال راحت بتوانم چند بچه بیاورم و دور و برم مثل مادر بزرگ ها شلوغ باشد. آدم وقتی به سی سالگی برسد دیگر وقت چندانی برای زندگی ندارد. مثلاً اگر ما قرار باشد هفتاد سال عمر کنیم و سی سالگی ازدواج کنیم، دیگر عمری نداریم که نوه ها را ببینیم.

حمیده ذاکری / مادر بزرگم همیشه می گفت: دختر که رسید به بیست، باید برایش گریست! خدا بیا مرز اعتقاد داشت دخترها باید قبل از بیست سالگی خانه شوهر بروند. البته که هیچ کدام از دخترها و نوه ها قبل بیست سالگی عروسی نکردند و بعضی ها مثل من در آستانه چهل سالگی هنوز مجردند! هر چند حرف مادر بزرگ را همیشه به شوخی می گرفتم. بزرگ تر که شدم و چهار تاروان شناس رفتم و مسائل زندگی ام را روی دایره برای بررسی ریختم، به این نتیجه علمی رسیدم که سن خوب خیلی قانون بردار نیست و بستگی به خیلی چیزها دارد یکی اش بلوغ عاطفی و فکری است. برای همین ممکن است یکی در ۱۶ سالگی هم بتواند از پس زوجیت و همه پیچ و خم هایش بر بیاید و یکی تا مرز ۳۰ سالگی هم هنوز آماده تشکیل خانواده نباشد. درست است که قدیمی های ما می گویند ازدواج یک بهاری دارد اما خاطرم آن باشد کار اگر به تابستان و پاییز هم کشید ایرادی ندارد، هر فصلی از زندگی قشنگی های خودش را دارد. شما چه فکر می کنید؟ حالا با همین سؤال که کی و چه سنی بهتر است ازدواج کنیم، سراغ زنان و دختران رفته ایم تا حرف های آن ها را هم بشنویم و بنویسیم.

سالی یک خواستگار دارم

سن و سالش را دوست ندارد بگوید ولی اگر از من پرسید، سی و چهار پنج سالی به او می خورد. تازه از کتاب فروشی بیرون آمده است که با هم صحبت می شویم. «من سالی یک خواستگار دارم. بعضی ها از همین کتاب فروشی ها پیدا می شوند. نمی دانم چرا ولی بعضی از آقایان فکر می کنند همین که هر دو کتاب خوان باشیم یعنی تفاهم کامل و می توانیم ازدواج کنیم ولی من چنین عقیده ای ندارم چون برایم خیلی چیزها مهم است. به نظر من، هر وقت آدم توانست همراه واقعی خود را پیدا کند، می تواند ازدواج کند. ربطی هم به سن و سال ندارد. برای یک ازدواج خوب، هیچ وقت دیر نیست.»

بر اساس الگوی سنی ازدواج در ایران و بسیاری از کشورهای جهان، سی سالگی دوره سنی مهمی است که با عبور از آن کاهشی مهم در احتمال ازدواج رخ می دهد.

واژه «تجرد قطعی» برای افرادی به کار می رود که بدون حتی یک بار ازدواج، وارد چهل سالگی شده اند.

بیش از دوسوم تجردهای قطعی مربوط به گروه زنان است.

بر اساس سرشماری سال ۹۵، یزد، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و خراسان رضوی پایین ترین نسبت تجرد قطعی را دارند.